



افسانه شفيعی

دنیل لیسکند می‌گوید: شهرهایی که همگان را به تحسین وامی دارند تنوع پیچیده‌ای از رنگ‌ها، اشکال، افکار و ایده‌ها را در خود جای داده‌اند. به شهر تهران می‌نرم با ساختمان‌های بزرگ و کوچک، آسمان‌خراش‌های گوناگون و خانه‌های یک‌شکل که همه در دود و آلودگی خفه شده‌اند. می‌اندیشم حتما چنین تنوعی از سرگیجه آن چیزی نیست که لیسکند را به تحسین وادارد. شاید آنچه بر شهرها رفته را نتوان بازگرداند، اما دست‌کم می‌توان به ذهن‌های معماران جوانی نگاه کرد که احتمالا قرار است برای آیندگان شهرهایی تحسین‌برانگیز بسازند. گفت‌وگوی زیر با مهیار حدیقی یکی از معماران جوانی است که در حال حاضر در آمریکا مشغول تحصیل، تحقیق و تدریس است و گفت‌وگو با او حداقل برای من نشانی از امیدواری در خود داشت.

یکی از بحث‌های مهم حوزه معماری تقابل معماری سنتی و مدرن است. با پیش‌کشیدن این ایده به نظر می‌رسد پیشاشیخ مرز و شکافی بین معماری سنتی و مدرنیته پیش‌فرض باشد. شما به این تقابل سنت و مدرن معتقد هستید؟

باید بگویم چندین تفسیر مختلف از کلمه مدرن وجود دارد. کسانی که با معماری دوره مدرن آشنایی ندارند تفاوتی بین آن و معماری نو قائل نیستند. درباره معماری سنتی نیز توجه کنیم که هر کشوری معماری خود را دارد. معماری سنتی در ایران با معماری سنتی در روسیه و آلمان متفاوت است. اما درباره نگرش به تاریخ در معماری قرن بیستم یا آنچه معماری مدرن می‌نامیم دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته است. به‌طور مثال در آمریکا در مدرسه‌ها مدرن که اولین مدرسه‌ای بود که به طرف معماری مدرن حرکت کرد، دیدگاه هادنان، رئیس دانشکده، با گروپوس، که برای ریاست دپارتمان دعوت شده بود، تفاوت داشت. گروپوس معتقد بود کتاب‌های تاریخ را نباید خواند درحالی‌که هادنان اینچنین فکر نمی‌کرد. پس ما نمی‌توانیم بگویم با آمدن معماری مدرن رابطه ما با تاریخ به‌طورکلی قطع شده است. میس ون در روهه که بعد از گروپوس به آمریکا آمد نگاهی به تاریخ متفاوت از گروپوس بود. به نظر من باید مقداری راجع به کلماتی که به کار می‌بریم دقت بیشتری کنیم. ما معماری سنتی را با آجر و گئبد می‌شناسیم و معماری مدرن را با مصالح جدید مثل یک ساختمان امروزی؛ همان ساختمان‌هایی که الان در ایران و تهران می‌بینیم که به نظر من هیچ ارتباطی با معماری مدرن ندارند. شاید وظیفه ماست که مخاطب عام را با این کلمات آشنا کنیم. معماری مدرن قطع ارتباط با گذشته نیست بلکه دوره‌ای از تاریخ معماری است. معماری معاصر ما بخشی از هویت جامعه است و دغدغه من این است که تلاش کنم مردم را با این هویت آشنا کرده و انگیزه حفظ آن را ایجاد کنم. به نظر من تاریخ یک جریان مستدام است. تاریخ معماری هم بالطبع، جریانی ممتد و ادامه‌دار است و نمی‌توان گفت معماری مدرن شکافی بین خودش و گذشته ایجاد کرده است.

آهمن شکاف، بین علم مدرن و علم سنتی ایجاد شده و هرگاه می‌خواهیم از معمار سنتی سخن بگویم به نظر می‌رسد از استادکاری سخن می‌گوییم که تنها از روی غریزه کار می‌کند و فاقد هرگونه دانشی است. در این مورد نظر شما چیست؟

معمار سنتی در تعریف کسی است که تحصیلات آکادمیک معماری ندارد، اما لزوماً به این معنا نیست که فاقد دانش است؛ یعنی نباید معمار سنتی را در مقابل معمار مدرن یا آکادمیک قرار داد. اینها منافاتی با هم ندارند. امروزه معماری و دانش معماری که از دیرباز آغاز شده، مختص به یک نقطه از دنیا نیست و یک جریان فراگیر است. وقتی از معماری ایران سخن می‌گویید، نمی‌توانید لوکوربوزیه را در نظر نگیرید و برعکس وقتی از معماری اروپا صحبت می‌کنید، نمی‌توانید تأثیر معماری ایرانی را نادیده بگیرید. لوکوربوزیه مانیفست معماری مدرن را تعریف کرد که بعدها به معماری اینترنشنال (بین‌المللی) شهرت پیدا کرد. من حدود ۱۰ سال پیش سفری به فرانسه داشتم و چند کار ایشان را از نزدیک دیدم و پس از آن به یزد سفر کردم. وقتی در بازار یزد قدم می‌زدم و خانه‌های یزد را نگاه می‌کردم با خودم فکر کردم چقدر شباهت بین معماری لوکوربوزیه و معماری سنتی یزد وجود دارد. مشکلی که به نظر من گریان‌گیر معماری امروز است و البته در جاهای دیگر دنیا نیز دیده می‌شود اما اندکی از آن فاصله گرفته‌اند، مسئله فرم است. ما خیلی درگیر فرم معماری هستیم، اگر گئبد می‌بینیم می‌گوییم معماری سنتی و اگر یک معکب شیشه‌ای ببینیم می‌گوییم معماری مدرن و کاری نداریم اینها چطور درست شده‌اند. به نظر من آنچه آثار معماریانی چون لوکوربوزیه یا معماران سنتی را جالب می‌کند فقط فرم نیست، بلکه نوع نگرش و طرز کار آنها با اید و متریال استفاده درست کنید، می‌توانید معماری‌ای بسازید که هم مرتبط با اقلیم است، هم مدرن است و هم ایرانی. کار آسانی نیست، تجربه و زمان نیاز دارد، ولی شدنی است. فرم مشکلی است که باید از آن گذر کنیم.

در ادامه بحثم به این نکته اشاره می‌کنم که تلفیق سنت و مدرن کلمه ابداعی است که نه تنها راه‌گشا نبوده بلکه با بدفهمی آن باعث شده به سمت



گفت‌وگو با مهیار حدیقی

گرفتار فرم شده‌ایم

ساختمان‌هایی برویم که به زور یک ایده مدرن را به یک ایده سنتی بخیه کرده‌اند. به نظر شما معنای این کلمه چیست؟

مهم است که ما واژه معماری را از ساختمان‌سازی جدا کنیم. در همه دنیا ساختمان‌های زیادی ساخته می‌شوند که از نظر معماری اهمیت چندانی ندارند. در گذشته هم همین‌طور بوده است. اما امروز تفاوت معماری و ساختمان به علت پیشرفت تکنولوژی و ورود مصالح جدید بیشتر مشهود است. در گذشته آجر بود و خشت و در برخی مناطق چوب و نخل هم استفاده می‌شد و شیوه‌های ساختمان‌سازی زیادی وجود نداشتند است. تفاوت معماری و ساختمان براساس زینت و دوام تشخیص داده می‌شد. ساختمان‌هایی که استادکار می‌ساخت دوام و زیبایی بیشتری داشت. حال سؤال شما درباره معماری است یا مربوط است به ساختمان؟ من در ایران ساختمان‌های متعددی دیدم که تقریباً زیرساخت آنها یکی بود و نما و نمایه متفاوتی داشتند که البته از نظر فکری همه آن نماها هم یکی بودند؛ مثلاً بالای ورودی ساختمان قوس درست کرده بودند، یا در یک قسمت، یک سرستون هخامنشی و در قسمتی دیگر آجرکاری انجام شده بود یا با شیشه تزئینش کرده بودند. منظورم این است که با اینکه در نگاه اول مخاطب عام ساختمان‌هایی متفاوت با نماهایی متفاوت می‌بیند اما اینها، همه ساختمان‌هایی یکسان هستند که فاقد ارزش معماری که اتفاقاً لازم است سؤال شما درباره اینها باشد.

من این‌طور سؤال می‌کنم که تعریف شما از معماری چیست؟ پاسخ به این سؤال سخت است. بحث من تعاریفی که از معماری می‌شود، نیست. اما کسی که علم معماری دارد – می‌تواند از طریق دانشگاه کسب کرده باشد یا به‌صورت تجربی– باید ساختمانی بسازد که وقتی آن را نگاه می‌کنید مثل یک تابلو نقاشی شما را به فکر وا دارد و بتوانید یک فکر و ایده قوی پشت آن ببینید. این فکر می‌تواند در فرم باشد، یا در ارتباطات داخلی یا در ارتباط آن با محیط شهری یا چیزهای دیگر. به نظر من حتی معماری دوره مدرن که معمولاً از آن انتقاد می‌شود که توجهی به محیط ندارد و می‌تواند در هر جایی از دنیا ساخته شود، باز با محیط خود ارتباط دارد. مثلاً شما نمی‌توانید خانه شیشه‌ای میس وندورهه (خانه فارنسوورت) را بردارید بگذارید در تهران. خیلی‌ها ممکن است این را قبول نداشته باشند و بگویند معماری

خودش را تجهیز می‌کند که چطور به آن سرویس بدهد، کاری ندارم که برج میلاد پروژه موفق بوده یا نه، یا درحال حاضر وضعیت آنجا چطور است، اما نباید منفی فکر کرد. کار باید از جایی شروع شود. خیلی از اتفاقات، ۲۰ تا ۳۰ سال بعد نتایجش را نشان می‌دهد. ما قدم‌های کوچک برمی‌داریم و سعی می‌کنیم حرکت رو به جلویی داشته باشیم.

نقد شما به معماری معاصر ایران چیست؟

همان‌طور که قبلاً هم گفتم یکی از مشکلات مهم ما گرایش به فرم است. ما تقریباً همه چیز را در فرم می‌بینیم. اگر مردم، معماران و پژوهشگران را از فرم آزاد کنیم، اول از لحاظ تئوری و بعد در عمل می‌توانیم یک قدم جلوتر برویم. وقتی نگاه به فرم بیش از اندازه است نتیجه‌اش همین است که شما می‌گویید، هر فرمی را از هر کجایی برمی‌داریم و کنار هم می‌گذاریم. تجارت بخشی از معماری است. شما نمی‌توانید بدون در نظر گرفتن مسائل تجاری، معماری کنید. ساختن یک ساختمان هزینه زیادی برای کارفرما دارد و خیلی واضح است که باید کارفرمایان را راضی کرد و آنها هم معمولاً تنها چیزی که می‌بینند، فرم است. معمولاً کارفرما از پروسه‌ای که منجر به فرم می‌شود، بی‌اطلاع است و همین‌جاست که دست معمار باز است تا ایده خودش در نظر گرفتن مسائل تجاری، معماری کند. ساختن یک ساختمان هزینه زیادی برای کارفرما دارد و خیلی واضح است که باید کارفرمایان را راضی کرد و آنها هم معمولاً تنها چیزی که می‌بینند، فرم است. معمولاً کارفرما از پروسه‌ای که منجر به فرم می‌شود، بی‌اطلاع است و همین‌جاست که دست معمار باز است تا ایده خودش در نظر گرفتن مسائل تجاری، معماری کند. ساختن یک ارائه کنیم، آرام‌آرام می‌توانیم معماری‌مان را جلو ببریم.

آینده معماری معاصر را که در حال حاضر مشغول آزمون و خطاست چطور می‌بیند؟

حرکت رو به جلو هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. گاهی سرعت مفارقت تند است و گاهی کند. اما به‌هرحال در حال حرکت است. مهم این است که این آزمایش و خطاها انجام شوند. خوشبختانه جریان سرمایه به هنر و معماری علاقه‌مند شده و شاید این به دلیل زحماتی باشد که شما و همکارانتان می‌کشید. کارفرمایان دوست دارند ساختمانشان را در مجلات ببینند و درباره‌اش بخوانند. البته این موضوع یک مقدار مخرب هم هست و عده‌ای ممکن است سوءاستفاده کنند و زبان معماری خودشان را به بازار تحمیل کنند که البته طبیعی است و در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد. من همیشه آینده را روشن می‌بینم. یک دوره به‌خصوصی بعد از انقلاب به معماری توجه نشد. البته یکی از مشکلات دیگر این است که معماری ایرانی عقبه بسیار طولانی‌ای دارد و طبیعتاً هرگاه از کسی بپرسید معماری چیست؟ عالی‌قاویو و تخت‌جمشید را مثال می‌زند اما کمتر معماری معاصر را معماری می‌دانند و در نتیجه دل‌نگران تخریش نیستند. عموم مردم توجهی به معماری بعد از قاجار ندارند که بخش عظیمی از هویت و تاریخ معماری ماست و متأسفانه دارد از دست می‌رود. در آمریکا چون ساخت‌وساز عقبه چندانی ندارد، وقتی ساختمانی ۵۰ساله باشد، از نظر آنها قدیمی است و دارای اهمیت اما در ایران چنین نیست و این تفاوت بزرگی ایجاد می‌کند. حتی به نظر من در دوره مدرن سینماها، بانک‌ها و حتی خانه‌های جالبی ساخته شده که هم با دوره مدرن اروپا ارتباط دارند و هم ایرانی هستند و به جرئت می‌گویم معماری مدرن ایرانی هستند که اگر به همین شکل پیش برویم، متأسفانه به‌زودی از دستشان خواهیم داد.

در حال حاضر با توجه به آشفته‌بازاری که در حوزه معماری دیده می‌شود، بهترین راهکار و مسکن را چه می‌دانید؟ خیلی بد است به مسکن‌ها رجوع کنیم. در پزشکی هم ممکن باعث می‌شود بیمار، خودش را نشان ندهد. ما به سرعت و روی یک دستمال کاغذی کشید، آلتایز کردن سایت به معنی این نیست که چون دارید در ایران ساختمانی را می‌سازید فوراً یک گئبد برای آن تعبیه کنید چون معماری گذشته آن دارای گئبد بوده است. این باز می‌شود گرایش به فرم. ارتباط با سایت، یعنی اینکه آنجا چگونه ساختمان می‌ساخته‌اند و نسبت به آن چگونه می‌اندیشیدند و مردمش چطور زندگی می‌کرده‌اند. مصالح بومی مورد استفاده چه هستند، مهم‌تر از فرم، فضای معمارانه است. میس وندورهه کسی بود که به فضای معماری توجه خاص کرد؛ فضا به جای اتاق. او و دیگر معماران مدرن، معماری را از طراحی اتاق به طراحی فضا تغییر دادند. تلفیق معماری گذشته و امروز ایجاد فضا است؛ فضایی که هم فرم زیاد دارد و هم قابل استفاده است.

همان‌طور که نیمایوشیج با دست‌کاری در وزن و فرم شعر گستره تازه‌ای در شعر فارسی ایجاد کرد که برای هم‌عصرانش قابل درک نبود. مثال درستی است. من یاد برج میلاد افتادم. کسانی می‌گفتند ما چرا باید چنین برجی در تهران بسازیم، وقتی زمینه ساختش فراهم نیست؟ وقتی زیرساخت مورد نیاز را نداریم، سیستم آب‌رسانی و حوادث غیرمترقبه در دسترس این منطقه قرار ندارد و حتی تکنولوژی ساخت چنین برجی را هم نداریم، مگر در نیویورک که پر از آسمان‌خراش است، از ابتدا زمینه‌های لازم وجود داشت؟ پروژه‌ای انجام می‌شود و بعد شهرداری

انتخاب معماری

هم‌اندیشی اکسیو ۲۰۲۰

شرق؛ هم‌اندیشی تخصصی اکسیو ۲۰۲۰ و آسیب‌شناسی پایویون ایران به همراه رونمایی از کتاب «اکسیو، جهان در پوست معماری»، سه‌شنبه ۱۵ دی در اندیشه‌گاه فرهنگی کتابخانه ملی ایران، با جمع کثیری از معماران برجسته و نهادهای دولتی برگزار شد. در این هم‌اندیشی، حسین اسفهدی درباره اکسیو از منظر نهاد دولتی تصمیم‌گیرنده، پیروز حاجی درباره نحوه برخورد کشور با موضوعات روز دنیا، همچنین حسین شیخ‌زین‌الدین، علیرضا امتیاز و ایمان رئیسی به ایراد سخنرانی پرداختند. هم‌اندیشی اکسیو ۲۰۲۰ و آسیب‌شناسی پایویون ایران با میزگردی با حضور آرش بصیرت، حسین شیخ‌زین‌الدین و مهیار حدیقی همراه بود که به نقد و آسیب‌شناسی حضور ایران در اکسیو و چشم‌اندازی از این حضور در سال ۲۰۲۰ پرداختند.

یکصد معمار

یکصد انتخاب

انجمن مفارقت معماری در نشست چهارم و پروژه یکصد معمار، یکصد انتخاب، صد اثر برجسته معماری معاصر ایران را بررسی می‌کنند. در سه نشست نخست، ۳۱ اثر از ۲۳ معمار معرفی شده است. برخی از این طرح‌ها، از جمله بناهایی هستند که در چند دهه گذشته، در مدارس معماری به‌عنوان اثر برتر معماری معاصر ایران مطرح بوده و بسیاری از مخاطبان آنها را می‌شناسند؛ ولی به جرئت می‌توان گفت دانشجویان امروز دانشکده‌های معماری، با درصد بالایی از چهره‌ها و آثار معرفی‌شده آشنا نیستند. در این سه نشست، آثاری از بهروز احمدی، حسین امانت، یورن اوژتن، مسعود جهان‌آرا، نادر خلیلی، رضا دانشمیر، جهانگیر درویش، کامران دیبا، حسین سلطان‌زاده، نظام عامری، لایلا عراقی، حیدر غیایی، کوروش فرزانی، عبدالعزیز فرمانفرمایان، محسن فروغی، محمد قهوه‌ای، ایرج کلانتری، محمدرضا مقتدر، رستم وسکاتیان و... معرفی شد. آثار معرفی‌شده، به درجات مختلف واجد ارزش‌های مهم معماری هستند و می‌توانند مورد استاد و بهره‌گیری علمی قرار بگیرند. در نشست چهارم نیز، کامبیز آرمی، سیدرضا آزمایش، فرهاد احمدی، کمال‌الدین ایمانی، ثریا بیرشک، کامران دیبا، سعید ساداتنیا، آزاده محمدچراغی، محمدحسن طالبیان، فرخ محمدزاده و پرویز مختاری آثار برگزیده خود را معرفی کردند. گفت‌وگو با کامران دیبا به‌صورت ضبط‌شده با اسکایپ بود. این نشست، چهارشنبه هفته گذشته ۱۶ دی ۱۳۹۴، در باغ موزه قصر برگزار شد.

پروژه‌های برتر سال ۲۰۱۵ از نظر آرک‌دیپلی

سایت معتبر معماری آرک دیپلی، به مناسبت ورود به سال ۲۰۱۶ میلادی فهرستی از برترین پروژه‌های سال ۲۰۱۵ ارائه کرده است. در این فهرست، پروژه‌های معماری متنوعی دیده می‌شود؛ از جمله موزه، رستوران، خانه‌های مسکونی و پل. این فهرست، پروژه‌هایی را نشان می‌دهد که از معماری خوب، زیبایی و فضاهای متنوع برخوردار است. برخی از این پروژه‌ها عبارتند از:
روبان چیل از معماران ناپ، مشبک معماران اوسا، تون هاسوس در انترسوپ از Sculpt IT، پل ترمیتاری از تروییکال اسپیس، رشد آشیانه ما از دانشکده طراحی محیط‌زیست دانشگاه برکلی + گئنگو کوما و همکاران، خانه سایگون از استودیوی tectas، SamMill House از آرجیر استودیو، پناهگاه ویپ از معماران VIPP، Naman Spa از MIA De- و sign استودیو، خانه عبور بلوط از والکر ورکشاپ، خانه‌ای با یک دیوار از کریستین کرز، پروژه مسکونی کهریز از CAAT استودیو، خانه چای در هوتونک از آرک استودیو، موزه تاریخ طبیعی شانگهای از پرکینز + ویل، پل بی‌نیهایت از جوو و پولوسکار، موزه براد از دیلر اسکوفیدیو + رنفرو، دیوار بزرگ Wa از لونیچی روسلی و مزارع گریس از معماران سانا.

ستون سوم

لایحه پیشنهادی برنامه ششم-بخش اول

میراث فرهنگی ولایحه برنامه ششم



علی اعطا

پس از انتشار لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بخش قابل‌توجهی از فعالان حوزه میراث فرهنگی و تشکل‌های غیردولتی این حوزه، نسبت به نوع مواجهه این لایحه با مقوله میراث فرهنگی واکنش نشان دادند. لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه که براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری تهیه و تدوین شده، در تبصره ۳۶، موضوع میراث فرهنگی را مورد توجه قرار داده است. ذیل تبصره ۳۶ لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه، سه بند مطرح شده که طی آن، اولاً، «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی موظف است اماکن تاریخی (به استثناء نقایس ملی)، در اختیار خود را به شهرداری‌های با جمعیت بیش از صد هزار نفر جمعیت برای بهره‌برداری واگذار نماید. این شهرداری‌ها موظف‌اند نسبت به مدیریت، مرمت، حفاظت و بهره‌برداری از اماکن مربوطه تحت‌نظارت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدام نمایند؛» ثانیاً «به تمامی دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود؛ بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی (به استثناء نقایس ملی) در اختیار خود را با تعیین کاربری که از سوی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در چارچوب ضوابط و مقررات مشخص می‌شود به بخش خصوصی و تعاونی واگذار نمایند…» ثالثاً، «تمامی دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند؛ در چارچوب ضوابط و استانداردهای ابلاغی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نسبت به مرمت و احیای آثار فرهنگی و تاریخی در اختیار اعم از منقول و غیرمنقول با رعایت قوانین و مقررات مربوطه اقدام نمایند».

درهمین رابطه، بسیاری از علاقه‌مندان و فعالان حوزه میراث فرهنگی، ضمن اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به این لایحه، تلاش کرده‌اند تا پیش از ارسال این لایحه به مجلس، فضایی در جهت اصلاح مواردی از آن را فراهم کنند. از سوی دیگر، از سخنان برخی از مسئولان سطوح عالی سازمان میراث فرهنگی می‌توان دریافت که باوجود تشکیل کارگروه‌های تخصصی متعدد در این سازمان و نیز در موارد مشابه در دستگاه‌های دیگر، تدوین این لایحه بدون کسب نظر کارشناسی از این دستگاه‌ها و کارگروه‌هایی صورت گرفته که به همین منظور تشکیل شده و حداقل در یک سال اخیر، در این حوزه به بررسی امر پرداخته‌اند.

چنان‌که مطرح شده است، نگاهی که بر مبنای آن لایحه برنامه ششم توسعه تهیه شده، مبنی بر اخ مجوزهای لازم از مجلس بوده است، به‌گونه‌ای که دولت بتواند در مواردی که ضروری می‌داند از مجلس مجوز بگیرد؛ درحالی‌که از سوی دیگر بعضاً مواردی که ذیل تبصره‌ها و در راستای اخذ مجوز مطرح شده، بعضاً مورد تأیید دستگاه تخصصی- از جمله در این مورد میراث فرهنگی- نیست.



شهرداری‌ها و ابنیه فرهنگی تاریخی

اینکه در برنامه ششم توسعه، سازمان میراث فرهنگی موظف باشد در شهرهایی که بالای صد هزار نفر جمعیت دارند، چنانچه ذیل تبصره ۳۶ لایحه پیشنهادی مطرح شده است عمل کند، در شرایطی می‌تواند قابل دفاع باشد که شهرداری‌ها به‌عنوان متولی اصلی مدیریت شهری، از زیرساخت‌ها و بضاعت لازم در این زمینه برخوردار باشند. طبیعی است که در بسیاری از شهرهای توسعه‌یافته، به‌واسطه استقرار نظام یکپارچه مدیریت شهری بخش عمده‌ای از وظایف تصدی‌گری که در ایران ممکن است برعهده دولت باشد، برعهده شهرداری‌هاست. این امر البته در جای خود قابل نقد و بررسی است. اما نکته در اینجااست که آیا روند اداره شهرها توسط مدیریت‌های شهری در کشور، ما، این ایده را تأیید می‌کند یا خیر. مدیریت‌های شهری که در سال‌هایی عمداً از انضباط مالی مورد انتظار برخوردار نبوده‌اند و بر اثر بسیاری از اقدامات ابن‌الوقتی و خلق‌الساعه آنان بعضاً سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی شهر با چالش مواجه شده است، چقدر بضاعت دارند که در حال‌حاضر مسئولیت مدیریت، مرمت، حفاظت و بهره‌برداری از اماکن مربوطه را پذیرا باشند. قصد من برخورد موردی و مصداقی با موضوع نیست و مدیریت‌های شهری ما در این زمینه متفاوتی از اقدامات توأم با پایداری تا ناپایداری را بروز داده‌اند اما مواردی که مطرح شد، منتج از آسیب‌شناسی‌های کلی در حوزه مدیریت شهری است. من تصور می‌کنم اگر قصد داریم که نقش مهمی برای شهرداری‌ها در این حوزه در نظر بگیریم، لازم است ابتدا زیرساخت‌ها و قابلیت‌های لازم را در شهرداری‌ها ایجاد کنیم و اقدامی نکنیم که مسئله خطر میراث فرهنگی را با چالش مواجه کند.

طبعاً ممکن است سازمان میراث فرهنگی، به صورت موردی تشخیص دهد که در مواردی باید از مشارکت شهرداری‌ها بهره بیشتری بگیرد یا اینکه دستگاه‌های دیگری بتوانند در این میان ایفای نقش کنند. تصور می‌کنم بهتر این است که این حق را برای سازمان میراث فرهنگی به رسمیت بشناسیم. در این‌صورت چه ضرورتی وجود دارد که در بند ۳ تبصره ۳۶، سازمان میراث فرهنگی «موظف» باشد؟ طبیعی است که این نگاهی که سازمان را موظف به واگذاری این ابنیه و اماکن به شهرداری‌ها در شهرهای بالاتر از صد هزار نفر می‌کند، آن آراشم نسبی که به‌تدریج و با اقدامات دولت در حوزه میراث فرهنگی در دو، سه‌سال اخیر به ذهن و روان دوستداران و علاقه‌مندان میراث فرهنگی بازگشته بود را با چالش مواجه و چشمان نگران مشتاقان میراث فرهنگی را نگران‌تر کند.

